

گلیم با فی

مردمان نائین از دیرباز آوازه‌ای بزرگ در فرهنگ و تمدن و هنر داشته‌اند و در تداوم از یاد گذشتگان کما فی السابق با دست‌های پرتوان خود هنر می‌آفرینند مردم این دیار سخت کوشند از سرما و گرما دل نمی‌هراسانند و همیشه و در همه حال در فکر آنند تا زیبایی بیافرینند که از جمله بافتن فرش و عبا را می‌توان نام برد.

اگر چه هنرهای قدیمه این دیار به مرور زمان و در اثر شرایط اقلیمی در سکوت مطلق فرومانده است دوری از هنر در خصلت و خوی خطّه کویر نیست پس هنرنمایی می‌کنند و زیبایی را به منصفه ظهور می‌رسانند. همانطوری که واضح و روشن است بافتن فرش با هنرمندی قالبیاف در گفتن و کتابت نمی‌گنجد و زبان قلم و بیان از آن عاجز می‌ماند امّا چون کویریان همیشه قناعت‌پیشه بوده‌اند در اسراف سمت نمی‌گیرند و حتی از کوچکترین و یا کمترین امکانات بهره‌ای بهینه می‌برند که شاید و یا بطور قطع در تصوّر هم نمی‌گنجد. خوب می‌دانیم که در بافتن فرش و مراحل آن با تمام توصیفات و مشخصّات دار، چله، پشم (تار و پود) و ابزار کار و لوازم دیگر کار به مرحله بافتن می‌رسد راه و مسیری پیموده می‌شود و نقشه بر پیکره تارها شکل می‌گیرد و سپس به تناسب نقشه رنگ‌های مختلف در لابلای تارها عبور می‌کند تا کار به آنجا می‌رسد که بر روی بافته‌ها القاج (پود) می‌زنند و می‌کوبند امّا به خاطر دقّت و ظرافت بیشتر با دست و در گذشته‌ها با شانه‌های چوبی خفته‌های (ریشه‌های) بافته شده را همچو گیسوان پرپیچ و تاب شانه می‌زدند تا کاملاً به ظرافت درآید. در این حال چه با دست و چه با شانه آنچه زاید است بدست می‌آید آنرا در اصطلاح محلی «دم پونجی» می‌گویند. در مرحله بعد با قیچی اضافات (سرخفته‌ها) را قیچی می‌کنند که به آن «دم خفتی» می‌گویند. نظر به اینکه امکانات مدرن امروزی در قدیم وجود نداشت تا فرش‌های ماشینی امروزی و سایر زیراندازها را داشته باشند در خودکفائی از زایدات فرش یعنی همان دم پونجی و دم خفتی ترکیب می‌نمودند یعنی حلاجی می‌شد و سپس ریسندگان با چرخ‌های چوبی و چرخش در ساعاتی زیاد آن را به دوک تبدیل می‌کردند دوک‌ها روی هم انباشته می‌شد سپس آنرا به بافندگان می‌دادند تا با دستگاه‌های دیگر که کاملاً با دستگاه عبا با فی یکسان است کار بافتن را به انجام رسانند و حاصل کار زیراندازی می‌شد که آنرا «گلیم دم خفتی» می‌گفتند از آنجائی که دم پونجی و دم خفتی خود به تنهایی نمی‌توانند در ریسندگی قرار گیرند

می‌بایستی با هم ترکیب شوند یعنی با حلاجی انعطاف‌پذیر شوند و در چرخ ریسندگی به نخ مبدل گردند و این توان هنرمند بود که با دستان زرین خود هنر بیافریند. در بعضی مواقع از پشم قالی و یا ترکیبی از هر دو صورت با تنوع رنگ زیبایی را می‌آفرینند. در خصوص دستگاه بافتن گلیم نوعاً همان دستگاه‌های عبا بافی است. در آمحله محمدیه نائین کارگاه‌هایی وجود دارد که آنرا در دل خاک یا زمین حفر کرده‌اند. بافندگان سخت‌کوش با استفاده از هنرمندی هنرمندان نجّار که دستگاه‌های عبا بافی را درست کرده‌اند برسکوها، دستگاه را استوار نموده و بافندگان چله‌هایی را که از قبل آماده نموده‌اند بر دستگاه نصب کرده و با همان نخ حاصل از زائدات فرش و یا پشم‌های یاد شده فوق را بکار می‌گیرند و حاصل کارشان همان است که ما را به شگفت وامی‌دارد. سابقه بافتن گلیم زیاد است به طوری که ما هنوز در خانه‌های مردم شاهد گلیم‌های دم‌خفتی هستیم که سالیان زیادی از عمر آن می‌گذرد. گلیمها در پهنای 75 سانتیمتر و در یک اندازه تولید می‌شود و برای اینکه بتوانند سطح اتاقی را فرش کنند 2 یا 3 تخته آنرا به هم می‌دوختند طول گلیم هم در اندازه‌های مختلف تولید می‌شده است. نوعی از آن را در دم ورودی اتاق به اندازه 120×75 درست می‌کردند که به آن پادری می‌گفتند.